

پنجم پروفیسور نی کی تین

## تبعات ایران شناسی در شوروی



آقای پروفیسور بازیل نیکیتین  
Basile Nikitine از مستشرقین  
معروف روسی مقیم فرانسه مستغنی  
از توصیف است. تألیفات این دانشمند  
نامی را بزبان فرانسه شهرت جهانی  
است و علمای محقق را از ماخذ معتبر.  
آخرین تألیف ایشان که در ۱۹۵۶م  
انتشار یافته کتاب مهم **Les Kurdes**  
است که استاد جمالزاده در مجلد نهم  
یغما درباره آن مقاله ای مرقوم  
فرموده اند.

آقای پروفیسور نی کی تین بعد  
از انقلاب شوروی در فرانسه اقامت  
جسته، اما چنانکه از آثارش هویدا است  
هم کشور روسیه را که وطن اوست،

و هم کشور ایران را که سالها در آن زیسته و وطن دوم او محسوب می شود بجان و دل  
دوست دارد، و همواره - دور از غوغای سیاست در تشبید روابط ادبی و فرهنگی این دو مملکت  
صمیمانه میکوشد.

از اینکه چنین دانشمندی بزرگوار با نیتی پاک مجله یغما را بنظر عنایت مینگرد  
ممنونیم و دوام عمر و تندرستی و توفیق ایشانرا آرزو مندیم.

اصل این مقاله بفارسی و بخط و انشای شخص آقای پروفیسور است، و با دقتی که  
شده اگر اشتباهی در آن باشد عذر خواهیم. (مجله یغما)

پروفیسور بار تولد Barthold مستشرق روسی مشهور در فصل بیستم کتاب خود موسوم به  
«تاریخ خاورشناسی در اروپا و در روسیه» اینطور متذکر میگردد: «بیشرفت تدریس و تعلم زبانهای  
عربی و فارسی و ترکی در روسیه مربوط است بهمردورودراز استاد بولدیرف Boldyrov در مسکو  
(از سنه ۱۸۱۱ تا سنه ۱۸۳۷)، و استاد سنکوفسکی Senkovski در سن پترزبورگ (از  
۱۸۲۲ تا ۱۸۴۷)، و استاد کاظم بك (درقران از ۱۸۲۶ تا ۱۸۴۵، و در پترزبورگ از ۱۸۴۵  
تا ۱۸۷۰). آقای بولدیرف نخستین مؤلف کتابهای درسی در زبان و ادب عربی و فارسی است که  
تا اواخر قرن ۱۹ در دانشگاههای روسی تدریس میشد و تقریباً تمام مستشرقین روسی نسل معاصر

شاگردان این سه نفر معلم اند (۱). اسامی: ژوکوفسکی Joukovski، زالمان Salemann، میلر Miller، فریمان Freyman، رماسکوویچ Romaskevitch و غیره در محافل ایران-شناسان دارای معروفیت کافی است و میتوان گفت که ایرانشناسان شوروی امروز شاگردان آنها هستند. بعد از این مقدمه مختصر شایسته است به ذکر جریان ایرانشناسی بپردازیم و اقرار کنیم که علم خاورشناسی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه پیشرفت فوق العاده نموده، بدیهی است که در اوائل انقلاب شوروی، مستشرقین هم مانند متخصصین دیگر بنا به برنامه سیاسی دولت بیشتر مشغول رسیدگی به مطالب اقتصادی و اجتماعی بودند و حتی علم زبانشناسی مطابق طریقه مرحوم پروفیسور Marr از روی مجادله طبقات و اختلافات اقتصادی و جنبشهای انقلابی مورد نظر و مباحثه بوده است، ولی با مرور زمان فلامی بینیم که خاورشناسی شوروی منحصر بمحیط اجتماعی و اقتصادی نیماند و مربوط بمسائل ادبی و روحانی و امثال آن نیز میشود.

سبب ترقی خاورشناسی عموماً، و ایرانشناسی خصوصاً، اولاً این است که حکومت اتحاد شوروی بیش از پیش با اهمیت آسیا برای روسیه معتقد گردیده، و ثانیاً بجای دوسرگز تعلیم السنه شرقیه که قبل از انقلاب وجود داشت اکنون بنا بر تشکیلات دولتی در هر یک از جمهوریهای شوروی مدارس و مؤسسات تعلیم السنه شرقیه وجود آمده که از طرف فرهنگ کل اتحاد جماهیر شوروی مراقبت میشود، چنانکه در قران تانار، و در تبلیس گرجی، و در ارمنستان، و در باکو آذربایجان و در عشق آباد ترکمن، و در تاشکند ازبک، و در استالین آباد تاجیک و در آلماتا قزاق، و همچنین در غالب شهرهای دیگر تنبعات خاورشناسی و حفاریات تعمیق میشود و نتایج آن بقلم و لهجه بومی و یا بروسی تألیف و چاپ و منتشر میگردد؛ و بطور طبیعی در این ضمن ایرانشناسی مخصوصاً در دیارهای هم حدود ایران خوشبختانه وسعت زیاد پیدا کرده است، چنانکه در ذیل بشرح آن خواهیم پرداخت.

از ۲۸ تا ۳۰ مارس ۱۹۵۵ در مسکو، مستشرقین شوروی برای مذاکره در خصوص وظایف زبانشناسی در شعبات فرهنگ جماهیر متحد، جلساتی دایر کردند. پروفیسور گروبر Grauber رئیس مؤسسه خاورشناسی در یکی از این جلسات چنین اظهار عقیده کرد: «برای رسیدگی در تطور تمدن خاور از مطالعه کتب خطی هیچ گزیر نیست، و بی زبانشناسی هم از این منابع حصول هیچ نتیجه علمی امکان ندارد و چون این مقدمات فراهم نبوده اعتراف باید کرد که عجز از تحقیقاتی که در خاورشناسی می شود چندان دقیق و مستند نیست، و همچنین متونی هم که در تاریخ و ادبیات عهد قدیم و حتی قرون وسطی منتشر شده چنانکه باید تصحیح و تنقیح نشد است. پروفیسور برتلس Bertels ایرانشناس معروف نیز این مطالب را کاملاً تأیید کرد. بعقیده او تنبعات در مورد زبان و ادبیات مشروط به ادراک عادات و سنن عهد گذشته است زیرا با این کنجکاویهاست که میتوان تحول تمدن را بطور صحیح دریافت. با رجوع به اسناد قدیم و آثار کلاسیک که مطابق قواعد و قوانین و باصول انشاء قدیم باشند است ثابت میشود که دانستن زبان فارسی فقط این نیست که فارسی حرف بزنیم و بخوانیم، بلکه باید معانی و مضامین حافظ و سمدی و جلال الدین رومی را درک نمائیم؛ یعنی فارسی و عربی کلاسیک هر دو را خوب بدانیم تا بتوانیم در باب درست بودن یک متن و تعیین عهد و زمان آن، رأی صحیح اظهار نمائیم.

(۱) کتاب آقای بارتولد بزبان فرانسوی ترجمه شده و بعنوان *La Découvert de l'Asie* (کشف آسیا) بوسیله مؤسسه پایو Payot منتشر گردید (سال ۱۹۴۷ م).

در ماه آوریل نیز ۱۹۵۵ کنفرانسی راجع به رئالیسم سوسیالیستی، یعنی واقع بینی از نقطه نظر سوسیالیسم در ممالک شرقی همچو اتحاد شوروی برپا شد، آقای براکینسکی Braguinsky در اثبات این طرح بحثی جالب نمود، بعد از او در باب وضع ادبیات فارسی در نطق ایراد شد یکی از طرف آقای د. س. کومیساروف Comisarov که مطالبی در ادبیات فارسی معاصر بیان کرد و نطق دیگر از طرف آقای ا. ز. روزنفلد Rozinfeld بود راجع به صادق هدایت.

نکته دقیق این است که اگرچه زبان فارسی امروزه ظاهر آ از قرن هشتم تا قرن بیستم تغییر نیافته ولی در واقع نسخه نویسان، کلمات و عباراتی را که از ادراک معانی آن عاجز بودند حذف میکردند و با تغییر می دادند، و این مطلب را مرحوم ملک الشعراء بهار در کتاب سبک شناسی کاملاً توضیح داده و مستشرقین شوروی هم در تصحیح متن نظامی بهمین موضوع متوجه شده اند (۱). علاوه بر این مسئله متأثر شدن یک نفر مؤلف قدیم را نباید فراموش کرد.

انتشار متون تصحیح شده در روسیه قبل از انقلاب همواره موجب تمجید و تحسین محافل مستشرقین خارجه بوده و امروز نیز خاورشناسی شوروی آن مقام عالی را از دست نداده است و کتابهایی نفیس با تصحیحات دقیق انتشار داده که نمونه ای از آنهاست: جلد سوم جامع التواریخ رشیدالدین - چهار داستان باقی مانده از خسته نظامی - (اسکندرنامه آن در سنه ۱۹۴۷ انتشار یافت) - گلستان سعدی - جلد اول شاهنامه و غیره.

در باب نشر جلد اول شاهنامه توضیح می دهد که این کتاب تقریباً شامل چهار هزار بیت است. نسخه خطی بریتیش میوزیم که تاریخ کتابت آن سنه ۱۲۷۶ است اساس و متن قرار داده شده و با نسخه مورخ سنه ۱۳۲۳ از کتابخانه ملی لنینگراد تطبیق و مقابله شده، علاوه بر این از دو ترجمه عربی بقلم الفتح بن علی البنداری بتاریخ ۱۲۱۸ - ۱۲۳۷ که در قاهره در سال ۱۹۳۲ بچاپ رسیده استفاده شده است. مقصود ناشرین شوروی این بوده متنی را که بتاریخ خود تألیف نزدیکتر باشد انتشار دهند، همین طور که این عمل در مورد نشر نظامی از روی چهار نسخه قرن ۱۴ و ۱۶ نسخه قرن ۱۵ و ۱۶ انجام پذیرفته است. آقایان گزیلیان Guzelyan و Diakonov دیاکونوف، در رساله ای که راجع به نسخ خطی شاهنامه موجود در کتابخانه لنینگراد، در سال ۱۹۳۴ چاپ کرده اند در این باب توضیحاتی کافی داده اند.

یکی دیگر از تألیفات مهم فارسی که آقای پروفسور ویلچوسکی Viltchevosky خوشبختانه بتحصیل آن موفق گردیده است کتاب خطی است موسوم به «درکن معاملات» از مؤلفی گمنام، مورخ ۲۵ ربیع الاول سنه ۵۸۴ هجری مطابق ۲۴ ماه مایس سنه ۱۸۸۸ م که در هر صورت نباید دیرتر از نیمه قرن یازده تألیف شده باشد. این کتاب نفیس متضمن نه فصل حاکی از مطالب عمده تصوف است از این قرار: طعام خوردن و طعام دادن، نکاح، علم کسب و تجارت، مال حلال، معاشرت با مردم، زهد، مسافرت، سماع، امر بمعروف و نهی از منکر. چنانکه آقای ویلچوسکی می بیند این کتاب بخوبی افکار عامه آن عهد را بر ضد فئودالیسم نشان میدهد. ایرانشناس شوروی حدس میزند که مؤلف کتاب «درکن معاملات» یکی از پیروان سهل تستری (متوفی در سنه ۳۸۳ ه) یا منصور حلاج (متوفی سنه ۵۳۰ ه) یا محمد بن سلیم (متوفی در سنه ۵۲۹ ه) باشد. این تصنیف مورد توجه دانشمندان

(۱) رجوع شود به رساله آقای بابایف Babaiov راجع به تهیه متن نظامی - اطلاعات فرهنگ شوروی ۱۹۴۱ نمره (۲).

واقع شده و با تفسیرات لازمه چاپ و منتشر خواهد شد. مناسب است یادآور شویم که در سال ۱۹۲۹ م در لنینگراد متن فارسی کتاب «کشف‌المحجوب» الجلابی الهجویری بامقدمه و فهرست بقلم پروفسور ژوکوفسکی Joukovsky چاپ شد.



ایران‌شناسان لنینگراد هم از نسخ کتابخانه آنجا استفاده نموده تصنیفات ذیل را بچاپ رسانیده‌اند: آقای ر. م. علی‌اف B.m. Alyov متن منقح گلستان سعدی، (کلیات این شاعر که بسال ۱۳۸۵ م کتابت شده در لنینگراد موجود است). خانم او. ی. گالر کیتنا O.I. Galerkina تمدن مادی آسیای مرکزی و خراسان در قرن ۱۵ و ۱۶ م. خانم ک. ی. کوستی گوا G-I. Kostygova حیات و کار خوشنویس مشهور سلطان علی مشهدی ۱۴۲۲ - ۱۵۲۰ - ۴. آقای آ. م. میرزایف A.M. Mirzaiev نسخه خطی شاهنامه - آقای آ. ن. بولدیرف A.N. Boldyrov کتاب واصفی موسوم به بدایع الوفایع - و آقای رودنکو M.B. Roudenko نسخ خطی کردی. از اینها گذشته فهرست کاملی است از کتب ادبی فارسی بقلم ب. ی. کیزچینی P.I. Kiztchine که در سال ۱۹۵۸ با تمام خواهد رسید.



دانشکده خاورشناسی دانشگاه لنینگراد نیز تصنیفات متعدد و مختلف راجع به ایران نشر داده که از آنجمله است: منتخباتی از جراید ترفیخواه ایران بقلم آقای آ. ت. طاهر جانوف A. T. Tahirdjanov، کیفیت اصوات در لهجه‌های گیلان و مازندران بقلم خانم و. ی. زاویالوف V.I. Zavialova - لهجه یغنوبی بقلم م. ن. بوگولوبوف M.N. Bogolubov. در تاریخ و اقتصاد هم تألیفات ذیل را باید ذکر کرد: از پروفسور م. س. ایوانف M.S. Ivanov متخصص تاریخ جدید، مقاله‌ای در دایرة‌المعارف شوروی و کتابی راجع به انقلاب ایران (در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱). از پروفسور ی. پ. پتروشفسکی I.P. Petrouchevsky رساله‌ای در خصوص آبیاری و طرح کشاورزی ایران در قرن ۱۳ تا ۱۵ م و رسائلی دیگر از خانم ل. و. سترویه و L.V. Stroieva مقاله‌ای راجع به انقراض دولت اسمعیلیه در ایران بوسیله مغول. از خانم ن. و. بیگولفسکایا N.V. Pigoulevskaia کتابی در باب مسئله بردگی در ایران در قرون ۴ تا ۶ م. از مؤلفین مشترک کتابی راجع بتاریخ ایران از عهد قدیم تا قرن ۱۹ م. این صورت نا کامل ثابت میکند که ایران‌شناسان لنینگراد بطور جدی مشغول کار هستند.



در مسکو هم دانشگاه دولتی بنام لومونوسوف Lomonossov که تازه شعبه خاورشناسی را تأسیس کرده بنشر چنین آثاری نفیس دست‌زده است و از جمله آنهاست: دو جلد تاریخ ممالک شرقی همجوار اتحاد شوروی. جلد اول از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۹ (منتشر شده)، و جلد دوم از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ (در سنه ۱۹۵۵ زیر چاپ بود). منتخباتی راجع به تاریخ ایران در قرون وسطی نیز در دست تألیف دارند. آقای گرانوفسکی Grantovsky هم در رساله دکتری (تر) خود جنبش مزدک و وضع اجتماعی ایران را در عهد ساسانیان مورد بحث قرار داده است.



بغیر از لنینگراد و مسکو، در دیگر شهرهای جهانیر متحد نیز مستشرقین بومی معطل نمانده‌اند

و مخصوصاً فعالیت ایران شناسی را در استالین آباد (دوشنبه سابق) که مرکز تاجیکستان است بی اهمیت نتوان شمرد. چنانکه آقای گت. آ. علی اف G. A. Aliyev معاون رئیس فرهنگ تاجیک اطلاع میدهد از جمله کتب و رسائی که در این زمینه انتشار یافته این دو کتاب جالب توجه است، یکی تاریخ مختصر ملت تاجیک تألیف ب. غفوروف B. Ghafourov دکتور در فنون تاریخ که جلد اول آن منتشر شده و دیگر تحقیقات نژادی درباره تاجیکهای دره خوف تألیف آقای م. س. اندرئیف M. S. Andreiev و نیز آقایان غفوروف، بهامالدین اف Behaouddinov یولداشف Yoldachov، نیازمحمداف Niyaz Mohammedov در تهیه لغتنامه بزرگ بکار مشغولند، وعدهای دیگر درالسنه پامیر و لهجه یغزوبی یعنی سفدی تازه تحقیقات می کنند.

این مطلب را نباید از نظر دور داشت که درحفریات اخیره مدارک و اسنادی معتبر بدست آمده که محققین را بخود مشغول داشته و از آنجمله اسناد و الواحی است که در کوه مخ پیدا شده. در این اسناد از هجوم عربها بایران و مقاومت فرماندار ناحیه سفد (دواشتیج) Devastic حکایت شده. تحقیقاتی که خاورشناسان شوروی درباره این اسناد و در اشتقاق نام فرماندار و ریشه این نام کرده اند در مجموعه ای بزبان سفدی بچاپ رسیده ۱۹۳۴. همچنین از حفریات نیچیکند نتایج مهمی درتطور و تحول صنایع مستظرفه عهد سفد بدست آمده که زبان شناسان و محققین در تکمیل اطلاعات خود میکوشند.

بطور کلی در تاجیکستان بازار هنر و ادب رواج و رونق خاص دارد چنانکه بر تعداد ادبا و شعرا از زن و مرد روز بروز افزوده میشود و تأثر و سینما و موسیقی پیشرفت میکند (۱).



اکنون نظری بازبکستان افکنیم. در شهر تاشکند پایتخت ازبکستان تعداد نسخ خطی فارسی بسیارست و بعضی از آنها یکهزارساله میباشد، یعنی قدیمترین نسخهها در ۹۵۵ میلادی کتابت شده و تازه ترین آنها از قرن بیستم است. فهرست این کتب در سه جلد تنظیم شده که دو جلد بچاپ رسیده است و یک جلد زیر چاپ است (جلد سوم فهرست کتب فلسفه و تصوف است). در سال ۱۹۵۴ هیئتی بریاست آقای ورونفسکی Voronovsky به بخارا رفت و در آنجا نسخ خطی نفیس ابتیاع نمود از آن جمله است تاریخ روم و بیژانس تألیف محمد ابراهیم شیرازی، یوسف و زلیخای عبدالرحمن جامی، نسخه مصور کتدیه تألیف محمدالسرقتدی در قرن ۱۲، بدایع الوقایع بقلم زین الدین محمود واصفی، جلد دوم از کتاب الممالک تألیف علی عباس المجوسی متوفی در سال ۹۹۴ م، و از این قبیل کتب ارجمند و کمیاب.

نسخ فارسی خطی که پس از تصحیح و تنقیح چاپ شده و یا زیر چاپ است از ایتقار است، تاریخ بلوچ - فهرست تألیفات ابن سینا موجود در تاشکند - عبیدالله نامه در تاریخ ملل آسیای مرکزی - کتابی از ابوبکر رازی که تازه بدست آمده - سرالاسرار از ابوبکر رازی در شرح

(۱) در بعضی از نشریات شوروی از قبیل کتاب منتخبات ادبیات اتحاد شوروی بقلم ل. ی. کلیموئیچ L. I. Klimovitch منتشره در سال ۱۹۴۷ آثار فردوسی و عمر خیاب و سعدی و حافظ و شعرای مشهور فارسی زبان جزو ادبیات تاجیک بشمار آمده اما خوشبختانه در تصنیفات مستشرقین عالی مقام این فطرت تکرار نمیشود چنانکه یروفوسور برتلس Bertels ایران شناس معروف در تاریخ ادبیات خود که هما قریب منتشر میشود فارسی و تاجیک را از یکدیگر جدا میسازد.

کیمیا - خسرو و شیرین نظامی و لیلی مجنون - جامع التواریخ رشیدی (باهتمام شرکت آذر در باکو) - اسناد و رسائل فتح علی آخونداف Akhounov بمشولیت آقای ر. س. سلطانوف R. S. Sultanov



مناسب میدانند بعد از توضیحاتی که در ایران شناسی داده شد سطوری چند در خصوص مطالب اقتصادی نیز نوشته شود :

در ماه فوریه و آوریل ۱۹۵۵ در شعبه اقتصادی هیئت خاورشناسی مسکو راجع به تحول اقتصادی دول مستعمره و غیرمستقل و استملاک در عهد امپریالیسم مباحثاتی بعمل آمد. آقای و. ا. ماشلنیکوف V. A. Maslennikov - سخنرانی جامعی کرد و در خصوص طرح تازه استعمار و بهره برداری بواسطه تقسیم دنیا بدو اثر تحت نفوذ و حدود سرمایه ملی و غارتگری در شرکت نفت و از اینگونه مطالب بیاناتی کرد که هر یک جدا جدا در خور دقت و توجه است. رسالتهای هم در مسائل اقتصادی ایران انتشار یافته که مهمترین آنها را از اینقرار باید شمرد : ترتیب رعیت داری تحت فتودالیسم در ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ م. بقلم آقای پتروشفسکی - سیاست زمین داری در عهد ایلخانان بقلم آقای و. ا. علی زاده - روابط اجتماعی ایران در عهد فرزندان هلاکو بقلم آقای و. ا. م. بلانیسکی A. M. Belenitsky - روابط رعیت با ارباب در ایران بقلم پتروشفسکی متخصص مسائل کشاورزی ( این رساله در مجله خاورشناسی شوروی نیز منتشر شده است ) . در این رساله آقای پتروشفسکی مقایسه ای در باب رعیت داری در یاسای مغول و آئین اسلام کرده که فصلی ممتنع است و خلاصه اینکه مغول رعیت را وابسته به ارباب ملک دار میدانسته نه زمین که رسم اسلام است ویرایغ غازان مورخ ۳۰۳ م یک نوع تعادل و تقارنی در اصول اسلام و مغول است .



عجالة رشته سخن را قطع می کنیم اما معتقدیم که در روابط فرهنگی ایران و ممالک متعده پیش از این ها باید بحث شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تألیف و تصحیح  
اشتیاق

علی معیری - مسحور

از شقایق در غم تنهائیش دلخون ترم  
در ره لبلائی خود صدره از او مجنون ترم  
بالله از اشکیکه بر گوری چکمه جزو ترم  
از همه سوداگران اندر جهان مقبون ترم  
وز دل سوزان نی با سوز غم مقرون ترم  
کنج حال و شوقم از قارون بسی قارون ترم  
در حریم انس حافظ از صبا مأذون ترم  
بر دو چشم فتنه جویش از تو من مفتون ترم

بر دو چشم فتنه زایش هر نظر مفتون ترم  
دیگر از افسانه مجنون بخوان افسون که من  
ایدل از اندوه جانفرسای مهجوری میرس  
تا امید سود دارم بر سر سودای عشق  
در جدائی دائم با آه و حسرتها فرین  
در دشت قدم در دل دلدادگان مأوای من  
گرچه اندر خلوت دلبر ندارم ره ولیک  
بس کن ای مسحور بیدل شرح درداشتیاق